




مقابله با افراطی‌گری در سیره و روش امام رضا(ع)

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآنی دانشکده علوم قرآنی،
دانشگاه معارف قرآنی، قم، ایران

فرهاد مرادی ده‌موردی *  ID

چکیده

لقب امام هشتم شیعیان، «رضا» است. صرف نظر از این که آن حضرت مورد رضای خداوند متعال بودند، در عین حال مقبولیتی فراگیرتر از آباء و فرزندان مطهرشان داشتند. در آن برهه از زمان، بر سر رهبری و پیشوایی آن حضرت اجماعی پیدا شد؛ به گونه‌ای که تأثیرات آن در دهه‌های بعد از شهادت ایشان قابل مشاهده است. دوره امامت حضرت علی بن موسی الرضا(ع) یکی از پربرکت‌ترین دوره‌های ائمه اطهار(ع) است. عصر زندگی آن حضرت عصر پر تلاطمی بود؛ از یک سو قیام‌های مکرر زیدیان برضد حکومت‌های وقت به وقوع پیوست، از سوی دیگر معتزله عقل‌گرا تفکرات خود را وارد حوزه اسلامی کرده بودند و با ترتیب دادن جلسات بحث و مناظره، خود را پرچمدار علم کلام معرفی می‌کردند. امام هشتم شیعیان تعامل گسترده همراه با حکمت و موعظه حسنه با جریان‌ها و مکاتب زمان خود داشتند و با مواضع حکیمانه، به مقبولیت عام دست یافتند. عصر زندگی امام رضا(ع) عصر پر تلاطمی است. در آن عصر قیام‌های مکرر و گاه ناپخته علویان برضد حکومت‌های وقت به وقوع پیوست. داستان «شهید فخر» در دوران جوانی آن حضرت رخ داد و بعد از آن نهضت «ابن طباطبای» در کوفه اتفاق افتاد و محمد بن جعفر، عموی بزرگ حضرت امام رضا(ع)، در مکه سردمدار قیام شد. امام رضا(ع) در قبال همه این حرکات موضع حکیمانه داشتند و ضمن نصیحت سردمداران این جریان‌ها و دعوت به احتیاط و حزم، از افراطی‌گری آنان جلوگیری می‌کردند. ناگفته نماند که برادران آن حضرت نیز به این جریان‌ها پیوستند؛ یکی از آنان شخصیتی است که به «زید النار» مشهور است. امام رضا(ع) با این مواضع حکیمانه در عرصه فرهنگی و سیاسی و اجتماعی تأثیرات بسیار گسترده‌تری نسبت به اقدامات افراطی همسو برجای گذاشتند که تأثیرات شگرفی در تثبیت تشیع و اسلام در آن مقطع داشتند.

کلیدواژه‌ها: امام رضا(ع)، مقابله، جریان افراطی، مناظره، قیام.

مقدمه

نهضت ترجمه در عصر امام رضا(ع) به اوج خود رسید، با این حال بی‌تردید یکی از دستاوردهای این اقدام، انبساط و آزاداندیشی پس از جمودی فکری بود که جامعه اسلامی گرفتار آن گردیده بود. چنانچه در ریشه‌یابی چنین جمودی واکاوی شود، به دست می‌آید که همه ایده‌ها و مکتب‌های عقیدتی اسلامی همچون «مجسمه»، «مشبهه»، «خوارج»، «مرجه»، «معتزلی‌ها» و «اصحاب حدیث و اشاعره»، مدارک بینشی و فکری خود را براساس آیات کریمه قرآن جستجو نموده‌اند و عده‌ای دیگر با رواج اسرائیلیات و مطالب دروغین در پیکره عقیدتی مسلمانان سعی در مسخ و نسخ درونی نظام اسلامی داشتند و هر مسلکی خود را حق مطلق دانسته و به تکفیر دیگران پرداخته است. مامون نیز از هرگونه نوآوری، آزاداندیشی و مخالفت با جمودگرائی حمایت می‌نمود و خود این موضوع بر رواج تفکر معتزلی استوار بود که استفاده افراطی از عقل ابزاری را معیار خود می‌دانستند و از آن کمک می‌گرفتند.

دوران متمایز امامت علی بن موسی الرضا(ع) در آن دوره تاریخی، خصوصاً حضور این امام در محدوده جغرافیای ایران، که بستر مناسبی را برای ایجاد فعالیت نوین جامعه شیعی در این سرزمین رقم می‌زد و بدان هویتی تازه می‌بخشید با جریانات فکری و مذهبی مختلفی روبه‌رو بود و این مساله تحقیق و کاوشی مختصر در خصوص بازشناسی و گونه‌شناسی جریان و چالش‌های مختلف معاصر با حضور آن حضرت بر مقام امامت و مسند ولایت عهدی و چگونگی تقابل خاص امام رضا(ع) در پاسخ به این جریان‌ها را می‌طلبد.

مفهوم جریان فکری

در فرهنگ لغت واژه «جریان» به معانی ذیل تعبیر شده است: «۱. روان شدن یا به حرکت درآمدن چیزی معمولاً مایع، حرکت ماده سیال؛ ۲. آنچه اتفاق افتاده یا در حال اتفاق افتادن است، رویداد، ماجرا؛ ۳. حرکت، روند و سیر چیزی، امری یا موضوعی در یک مسیر، فرآیند؛ ۴. موضوع» (انوری، فرهنگ روز سخن، ص ۳۷۹). و لفظ «فکری» هم به مفهوم «آنچه مربوط به فکر می‌باشد، یا -در گفتگو- در فکر فرو رفته، دل مشغول یا

گرفته و غمگین و یا دستخوش نگرانی» تبیین شده است (همان، ص ۸۵۷).

گونه‌شناسی جریان‌های معاصر دوران امام رضا(ع)

۱. جریانات سیاسی

اختلافی که بین امین و مامون پیش آمد و در نتیجه مامون به قدرت رسید که دوران اقتدار خلافت عباسیان به شمار می‌آید، به طوری که آوازه شوکت و شخصیت هارون در غرب و شرق گسترانیده شده بود. مأمون به اقتضای این موقعیت، در پی مشروعیت سیاسی خویش، متوسل به راهکار ویژه‌ایی از منظری متفاوت گردید و آن کمک گرفتن از مشروعیت خاندان اهل بیت (ع) بود. تعامل خلافت عباسی با امام شیعی، تا آن مرحله پیش رفت که امام رضا(ع) را به ولایت عهدی خویش رساند. در این برهه تاریخی، نبایست فعالیت فرقه‌ی نوپای اسماعیلیه در کنار تحركات علویان و خوارج تغافل نمود؛ حرکت ابوالسرایای علوی، (محمدبن جریر طبری، ۱۳۵۳، ج ۸، ص ۵۲۸). محمدبن جعفر صادق (ع) در مکه (احمدبن خطیب بغدادی، ۱۳۴۹، ج ۲، ص ۱۱۳ - ۱۱۴)، بابک خرمی، (محمدبن اسحاق ابن ندیم، ۱۳۸۳، ص ۴۸۲) و... از آن جمله‌اند. آنچه بر وقوف آن پیداست، اینست که مامون در استدلال خود شیوه عقل‌گرایی رایج‌تر پیش می‌گیرد، حتی در مواجهه با اصل قبول احادیث نیز چنین برخوردی دارد و این از سیاست‌های مامون در مقابل امام رضا(ع) است که به آن توسل می‌جوید.^۱ (عوالم العلوم و المعارف) (مستدرک حضرت زهرا تا امام جواد علیهم السلام)، ج ۲۲-الرضاع، ص: ۳۱۰) حتی مامون به این نیز اکتفا نمی‌کند و مسائل اختلافی بین شیعه و سنی را بر سر زبانها جاری می‌کند که بالاخره پیامبر(ص) در احادیث ابوبکر و عمر (خلیفه اول و دوم) را چه جایگاهی داده است. از دیدگاه مأمون اگر حدیث صحیح باشد، پس مخالفت شیعه با آن معنی ندارد؛ اما اگر احادیث این‌چنینی مورد استناد نباشد پس چرا اهل سنت داعیه دار آن هستند. در واقع بیشتر قصد به چالش

۱- فقال المأمون: الروایات كثيرة، ولا بد من أن تكون كلها حقًا، أو كلها باطلا، أو بعضها حقًا، وبعضها باطلا، فلو كانت كلها حقًا، كانت كلها باطلا من قبل أن بعضها ينقض بعضها، ولو كانت كلها باطلا كان في بطلانها بطلان الدين، و دروس الشريعة، فلما بطل الوجهان، ثبت الثالث بالاضطرار، و هو أن بعضها حقٌ وبعضها باطل، فإذا كان كذلك، فلا بد من دليل على من يحقّ منها، ليعتقد و ينفي خلافة، فإذا كان دليل الخبر في نفسه حقًا، كان أولى ما اعتقد و اخذ به و....

کشیدن امام رضا(ع) در چنین مواردی می باشد که مامون از این موقعیت استفاده می کند و در کتاب عوالم العلوم مثالهایی فراوان از آن به چشم می خورد.^۱ (عوالم العلوم و المعارف (مستدرک حضرت زهرا تا امام جواد علیهم السلام)، ج ۲۲-الرضاع، ص: ۳۱۱)

۲. جریانات مذهبی

بعد از بعثت پیامبر(ص) تقریباً همه به زیر پرچم اسلام گرویدند، اما دیری نپایید که پس از رحلت پیامبر(ص)، بسیاری از تمایزها و تفاوتها که دین مبین اسلام آن را منسوخ قلمداد نموده بود با جریانهای سیاسی-اجتماعی زمانه همراه گردید و در انشعابات و انحرافهای فکری-عقیدتی جلوه گر شد و حاصل آن چیزی جز پدیدار شدن نخستین فرق فقهی-کلامی نبود. از مهمترین فرق کلامی اشاعره و معتزله هستند که اشاعره، اهل حدیث و ظواهر آن و معتزله پیرو عقل گرایی اند. در مناظرات و جلسات مأمون نیز این دو گروه زیاد به چشم می آیند.^۲ (عوالم العلوم و المعارف (مستدرک حضرت زهرا تا امام جواد علیهم السلام)، ج ۲۲-الرضاع، ص: ۳۰۸)

از جمله این فرق:

الف) مُجَسَّمه:

فرقه‌ای از متکلمانند که گویند خداوند جسم است و ظاهری خوش سیما دارد. (سجادی. سید جعفر، ص ۱۲۴)

مجسمه و مشبیه خداوند را تشبیه به خلق کنند برایش جا و مکان اثبات کنند و گویند بر عرض جای دارد و پاها بر کرسی نهاده و اعضاء بدون دارد. (مشکور. محمد جواد، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۹۳)

ب) مفوضه:

۱- رجعا إلى حدیث المأمون: فقال آخر من أصحاب الحدیث: فَإِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «لَوْ كُنْتُ مَتَّخِذًا خَلِيلًا، لَأَتَّخِذْتُ أَبَا بَكْرٍ خَلِيلًا!» فقال المأمون: هذا مستحيل و.....

۲- أمرني المأمون بإحضار جماعة من أهل الحدیث، و جماعة من أهل الكلام و النظر، فجمعت له من الصنفين زهاء أربعين رجلاً، ثم مضيت بهم، فأمرتهم بالكينونة في مجلس الحاجب لاعلمه بمكانهم، ففعلوا فأعلمته، فأمرني بإدخالهم ففعلت، فدخلوا و سلموا.

معتقدند انسان در اعمال خود می‌تواند بدون خواست و اراده خداوند عمل کند یعنی امور انسانی و اعمال او را، خدا به خود او واگذار کرده است که صاحب اختیار کامل باشد. (پیشین.)

ج) مُرَجئه:

معتقدند اگر کسی ایمان داشته باشد، معصیت او را زیان ندارد و اگر کافر باشد اعمال خوب او سود ندهد. این فرقه به مناسبت حملات شیعیان و خوارج بر بنی‌امیه به وجود آمد و اطاعت در برابر بنی‌امیه و عدم تکفیر آنان را اعلام کردند. وجه تسمیه این فرقه به این نام آن است که آنان ایمان را بر عمل مقدم داشتند. (پیشین.)

د) قدریه:

کسانی را گویند که امور و اتفاقات و افعال را تابع قدرالهی می‌دانند و گویند آنچه مقدر است کائن است و بشر هیچ نوع اختیاری ندارد، زیرا آنچه باید به وقوع پیوندد در عالم نفس کلیه معین و محدود و مشخص شده است... به عبارت دیگر قدری مذهب در یک معنی همان جبری مذهب است. (پیشین. فرهنگ فرق اسلامی / ۳۵۸.)

برخی از مستشرقین معتقدند که قدریه پیش از معتزله وجود داشته‌اند و راه را برای آنان باز کرده‌اند و معتزله وارث قدریه و فرزندان روحانی آنان بودند.

ه) غلاه:

ایشان فرقه‌هایی از «شیعه» هستند که درباره ائمه خود گزاره‌گویی کرده و آنان را به خدایی رسانیده و یا قائل به «حلول» جوهر نورانی الهی در امامان خود شدند و یا به «تناسخ» قائل گشتند. تمام فرق شیعه جز اثنی عشریه، زیدیه و بعضی از اسماعیلیه و فطحیه و واقفه از غلاة به شمار می‌روند.

در آغاز «غلات» شیعه، تنها به غلو درباره ائمه خود می‌پرداختند ولی از قرن دوم هجری بعضی از فرق ایشان مطالب غلوآمیز خود را با سیاست آمیخته و با دولت اموی و عباسی به مخالفت پرداختند. غلات بر چند دسته شده، گروهی گفتند: حضرت علی(ع) و بعضی از ائمه(ع) خدا هستند و برخی گفتند ایشان پیغمبرند. عدد فرق غلات در اسلام از

صد و پنجاه فرقه بیشتر باشد». (پیشین. فرهنگ فرق اسلامی / ۳۴۴).

با تکیه عباسیان بر مسند قدرت، دوره جدیدی از مسائل کلامی و فقهی آشکار گردید که غالباً با عقل‌گرایی همراه بود؛ در این راستا، مهمترین این فرقه‌ها؛ معتزله، اشاعره و اهل حدیث و... می‌باشند. قضا و قدر، جبر و اختیار شاخصه‌ی اساسی در تضاد فکری این فرق به شمار می‌رود و این مهم سبب شد که در این راستا سوالاتی از امام رضا(ع) پرسیده شود و روایات متعدد آن حضرت در این حیطه، شاهد بر این مدعاست؛ (عزیزالله عطاردی، ۱۳۸۳ ق، ج ۱، ص ۵۳-۷۳). مسائلی از قبیل؛ توحید، ایمان و کفر، ثبوت و ضرورت وجود امام (ع) در هر زمان بر زمین و... اهم مباحث کلامی آن عصر برشمرده می‌شود که امام (ع) در روایات و گاه مناظرات بدان پاسخ گفته‌اند؛ از جمله آن می‌توان وجود روایاتی در باب ضرورت حضور امام (ع) در هر دوران (محمدبن یعقوب کلینی، بی تا، ج ۱، ص ۱۷۷ - ۱۷۹). و نیز تأکید بر واقعه غدیر آغاز امامت علی (ع) و حدیث سلسله الذهب، اشاره نمود. فرقه‌ی شیعه نیز همچون سایر فرق کلامی، دچار تعارضات دورنی و جریان‌های افراطی شد و به چندین گروه از جمله ناوویسه، فطحیه، قطعیه، اسماعیلیه، واقفیه تقسیم شدند که هر یک با نقد مباحث کلامی و فقهی دیگری، مدافع اصالت و حقانیت خود بودند همانند فرقه واقفیه که به عنوان وکیل امام هفتم (ع)، خمس و زکات مردم را تحویل می‌گرفتند جمعی از آنان در زمان امامت امام رضا(ع)، بر امامت پدرش توقف نمودند (حسن بن موسی نوبختی، ۱۳۵۳، ص ۶۷). و او را مهدی دانستند که بیشتر بر فزون‌طلبی و تصاحب اموال برجای مانده از موسی بن جعفر (ع) نزدشان، متفق القول گشتند و در مقابل قطعیه، قرار گرفتند. برخی نیز ظهور این فرقه را چنین می‌دانند که «جمعی از اصحاب امام کاظم (ع) با برداشت غیر صحیح از روایاتی که به آن حضرت نسبت قائمیت می‌داد، معتقد به مهدویت آن جناب و توقف در حضرتش گردیدند و آنها به دلیل اعتقاد به حضرت مهدی (ع) و نشناختن مصداق واقعی آن، دچار این کجی و انحراف گردیدند». (محمدبن حسن علی طوسی، ۱۳۴۸ ق، ص ۴۱). حتی مامون در بعضی مواقع قصد دارد که امامان قبلی را متهم به این کند که خلاف حکم خدا و قرآن دستور داده‌اند

و با زیرگی آن را در لابلای سوالات خود از امام رضا(ع) می‌پرسد، تا شاید ایشان را در تنگنا قرار دهد. همه خط مشی‌ها به این منتهی می‌شود که جریان انحرافی در شیعه نیز روی داده است.^۱ (عوالم العلوم و المعارف (مستدرک حضرت زهرا تا امام جواد علیهم السلام)، ج ۲۲-الرضاع، ص: ۲۱۳) هر چند برای تقرب به امام رضا(ع) نیز سخنانی را بر زبان آورده است، اما قصد مامون در این زمینه احتجاج با مخالفین است و در این موقعیت ترجیح می‌دهد با امام رضا(ع) همسو شود. از جمله در جایی که در بیان برتری علی(ع) بیان می‌دارد که وقتی حسن و حسین(ع) سرور جوانان اهل بهشت اند، پس به طریق اولی پدر آنها نیز برتر است و نمی‌توان ابوبکر و عمر را بالاتر از علی(ع) دانست.^۲ چنین استدلالاتی از سوی مامون بیشتر برای احتجاج با مخالفین است. (عوالم العلوم و المعارف (مستدرک حضرت زهرا تا امام جواد علیهم السلام)، ج ۲۲-الرضاع، ص: ۳۱۶)

فرقه غلات نیز به پیروی از ابوالخطاب، یکی از یاران امام صادق(ع) بر این اندیشه‌ی نابخردانه صحه گذاردند و بدان رنگ و بویی تازه بخشیدند و معتقد به تناسخ شدند که شاید عقاید آنان به نوعی برگرفته از آراء مسیحیان باشد. به هر ترتیب، اندیشه غلو، می‌توانست از درون، هسته‌ی مرکزی تشیع ناب را نشانه رود آن، را از هم پاشد و از برون، باعث گردد تا دیدی تاریک و منفی انگارانه نسبت به فرقه‌ی تشیع برای غیر حاصل سازد. (اندیشه نو، آذرماه ۸۵، ص ۴۷)

۳. جریانات فرهنگی

«مأمون برای مغلوب ساختن امام رضا (علیه السلام)، شروع به گردآوری علما و معتزلیان و اهل کلام که اصحاب جدل و کلام و استدلال و موشکافی بودند نمود تا با امام رضا(ع) درافتند و در هر مجلسی از قدر علمی امام بکاهند و او را در زمینه‌ی بزرگترین چیزی که خود و پدرانش(ع)، ادعا می‌کردند؛ یعنی علم و شناخت آثار و علوم پیامبر خدا(ص) که

۱- ... قال المأمون: كيف يجوز أن يقول عليّ عليه السلام: أجلد الحدّ من لا يجب الحدّ عليه، فيكون متعدّياً لحدود الله عزّ وجلّ، عاملاً بخلاف أمره، و ليس تفضيل من فضله عليهما فريئة. و...

۲- آنها سیدایان شباب اهل الجنة من الأولین و الآخرین، و أبوهما خیر منهما. و... (السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أولئك الْمُقَرَّبُونَ) الواقعة/ ۱۰ و ۱۱. قال: فهل علمتم أحداً أسبق من عليّ عليه السلام إلى الإسلام.

بر حسب اعتقاد شیعیان بزرگترین شرط و لازمه پیشوایی امام بود، شکست دهند. (جعفر مرتضی عاملی، ۱۳۵۶، ص ۳۵۸). به گونه ای که برخی از مناظرات «از طلوع آفتاب تا بعد از نماز مغرب به طول می انجامید». (سید محمد مرتضوی، ۱۳۷۵، ص ۱۳۵). تا آن حد کار پیش رفت که با تأسیس «بیت الحکمه»، و ترجمه کتب دیگر ملل، روند تازه و منظمی به خود گرفت و مناظرات شروع شد.

از نظر علمی

تشکیل جلسات مناظره:

در باب مناظره، امام با دو گروه متکلمان و فقهای اسلامی و بزرگان فرق مختلف و همچنین علمای سایر ادیان مناظراتی داشتند؛ راهکار مشترک در این مناظرات؛ استفاده از استدلالات عقلانی و منطقی براساس فطرت و حقیقت بود که نزد جویندگان راستی و درستی مسلمان و غیر آن یکسان به شمار می آمد. از جمله افرادی مانند: جاثلیق^۱، رأس الجالوت^۲، روسای صابئیان^۳، هربذ اکبر^۴، قوم زردشت^۵، نسطاسیان رومی^۶ و بسیاری از متکلمان از اقوام و کشورهای مختلف با دین و آیین های گوناگون برای مناظره با آن حضرت به سوی ایشان روانه شدند.^۷ (عوامل العلوم و المعارف (مستدرک حضرت زهرا تا امام جواد علیهم السلام)، ج ۲۲-الرضاع، ص: ۳۰۰) با این کار هم بر قدرت مأمون افزوده می شد که از کل دنیا نمی توانند با وی روبرو شوند و اگر هم امام رضا(ع) جواب نمی دادند باز هم مأمون به زعم خویش بر وی پیروز شده است.

۱- رئیس النصارى فى بلاد الإسلام- به نقل از مجمع البحرين: ۱۴۳/۵

۲- هو عالم اليهود و کبیرهم.

۳- سمى الصابئون الصابئين لأنهم صبوا إلى تعطيل الأنبياء و الرسل و الملل و الشرائع.

۴- واحد الهرايذة المجوس، و هم قومه بيت النار التى للهند

۵- هو زرادشت بن يورشب، و دينه الدعوة إلى دين مارسيان

۶- علم، و بالرومية عالم بالطب.

۷- لما قدم على بن موسى الرضا عليهما السلام على المأمون أمر الفضل بن سهل أن يجمع له أصحاب المقالات مثل:

الجاثليق «۱»، و رأس الجالوت «۲»، و رؤساء الصابئين «۳»، و الهربذ الأكبر «۴»، و أصحاب زرادشت «۵»، و نسطاس

الرومى «۶»، و المتكلمين، لسمع كلامه

معتزله‌ی عقل‌گرا، نقطه‌ی مقابل اصحاب حدیث نقل‌محور برشمرده که در «ماجرای محنت» گوی سبقت را از حریف ربوده بودند، البته نقش مأمون در این جریان و طرفداری از این اندیشه‌ی تعقلی حائز اهمیت و برجسته می‌نمود. امام رضا(ع) و یا نمایندگان منتخب از سوی آن حضرت با برگزاری مناظرات با صاحبان خردگرایی معتزله (کمال‌الدین شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۰۵). که در خصوص مسائلی همچون خلق قرآن، گناهان کبیره و... می‌بود و همچنین ابوقره از اصحاب اهل حدیث (ابی منصور احمدبن علی طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۲، صص ۱۸۵ - ۱۸۹). سعی در تعدیل و رهنمون‌سازی به سوی حقیقت اسلام ناب این دو نحله‌ی کلامی مطرح در عرصه‌ی علمی و دینی آن دوران داشتند. بیشتر مناظرات از سوی مأمون برگزار می‌گردد که در آن از تمامی ملل شرکت داشتند و از امام رضا(ع) در خواست می‌نمود که در این مناظرات شرکت نماید.^۱ (عوامل العلوم و المعارف مستدرک حضرت زهرا تا امام جواد علیهم السلام)، ج ۲۲-الرضاع، ص: ۳۰۱)

از نظرگاه دیگر، مناظره، سطح بینش اجتماعی و اعتقادی مسلمین افزون می‌گرداند و رجحان اسلام بر سایر ادیان نزد اذهان آنان، بدیهی. شبهاتی در خصوص توحید (کمال‌الدین شیخ صدوق، ۱۴۱۶، ص ۴۲۲)، نبوت (همان، ص ۴۲۰). نبی اکرم (ص) (همان، ص ۴۲۴) آفرینش و خلقت (همان، ص ۴۳۲ - ۴۳۰). کتاب‌های آسمانی همچون انجیل. (همان، ص ۴۲۵). حضور امام در هر زمان بر زمین از جمله مسائل مطرح شده برای حاضران در مناظره بود. در این طریق، امام رضا(ع)، همواره در مناظرات خویش از اصل برتری جویی تبری می‌جست و از مغالطات جدلی پرهیز می‌نمود و استدلال‌ات عقلی را مطرح می‌سازد و با هر دین و مذهبی با زبان و دین خودشان با آنها مناظره می‌کرد و این به صراحت در سیره و روش امام رضا(ع) مشهود است.^۲ (عوامل العلوم و المعارف مستدرک حضرت زهرا تا امام جواد علیهم السلام)، ج ۲۲-الرضاع، ص: ۳۰۹) در میدان احتجاج، زمانی به اقامه‌ی

۱- إنه اجتمع إلى أصحاب المقالات، وأهل الأديان و المتكلمون من جميع الملل، فرأيت في البكور إلينا إن أحببت كلامهم، و إن كرهت ذلك فلا تتجشم، و إن أحببت أن نصير إليك، خف ذلك علينا.

۲- إذا سمع احتجاجي على أهل التوراة بتوراتهم، و على أهل الإنجيل بإنجيلهم، و على أهل الزبور بزبورهم و على الصابئين بعبرانيّتهم، و على أهل الهراينة بفارسيّتهم، و على أهل الروم بروميّتهم، و على أصحاب المقالات بلغاتهم و...

حجت و دلیل می‌پردازد که پیش از این پایه‌ی سخن را با مثال‌های ساده و قابل فهم و آنچه در صحنه‌ی زندگی ملموس و محسوس است، استوار کرده باشد تا پس از برطرف شدن پیچیدگی مطلب و در آمدن آن به صورت پدیده‌ای ساده و روشن، مجال شک و تردید برای خصم باقی نماند. (محمدجواد، فضل الله، ۱۳۶۹، ص ۱۷۳) به عنوان مثال در رویارویی با جاثلیق بعد از اینکه مامون به جاثلیق می‌گوید که این از نوادگان پیامبر (ص) است و حاضری با وی تکلم کنی؟ جاثلیق می‌گوید که من کتاب و پیامبر او را قبول ندارم و امام رضا (ع) سریعاً به جاثلیق می‌گوید که با انجیل با تو مناظره می‌کنم، آیا باز هم قبول نمی‌کنی؟ در این حین جاثلیق چاره‌ای جز قبول ندارد. این اوج بلندای علم امام معصوم (ع) به تمامی علوم ادیان است که در این مناظرات به چشم می‌خورد.^۱ (عوامل العلوم و المعارف) (مستدرک حضرت زهرا تا امام جواد علیهم السلام)، ج ۲۲-الرضاع، ص: ۳۰۲) در مناظره با راس الجالوت نیز شاهد چنین صحنه‌هایی هستیم که امام رضا با تورات با او تکلم می‌کند و....^۲ (عوامل العلوم و المعارف) (مستدرک حضرت زهرا تا امام جواد علیهم السلام)، ج ۲۲-الرضاع، ص: ۳۰۳)

افزون بر آن، حضرت، در مناظره با فرقه‌های مسلمان به آیات و روایات مورد قبول آنها تکیه می‌نمود (فریبا آذرینا، ص ۳۹). به طوری که در مقابل معتزله که معتقد بودند، خداوند گناهان کبیره را نمی‌آمرزد، جواب امام (ع) به آنان این بود که امام صادق (ع) فرموده است این سخن معتزله برخلاف قرآن است زیرا قرآن می‌فرماید: «وإن ربك لذو مغفرة للناس على ظلمهم؛ با اینکه مردم نسبت به خود ستم می‌کنند، خداوند آنها را می‌بخشد.» (سوره رعد، آیه ۶). در مقابل متکلم بزرگی چون سلیمان مروزی نیز چنین

۱- یا جاثلیق، هذا ابن عمی علی بن موسی بن جعفر علیهم السلام و هو من ولد فاطمة بنت نبینا و ابن علی بن ابی طالب علیه السلام، فاحب أن تکلمه و تحاجه و تصفه، فقال الجاثلیق:

یا امیر المؤمنین کیف احاج رجلا یحتج علی بکتاب أنا منکره، و نبی لا أومن به.

فقال [له] الرضا علیه السلام: یا نصرانی فإن احتججت علیک یانجلیک أ تقر به؟

۲- فالتفت الرضا علیه السلام إلى رأس الجالوت، و احتج علیه بالتوراة و الزبور، و کتاب شعیا و حقیق، حتی افحم و لم یجر جوابا.

استدلال می‌کند که مناظرات ایشان در بابی جداگانه در کتاب *عوامل العلوم آمده است*.^۱ (*عوامل العلوم و المعارف*) مستدرک حضرت زهرا تا امام جواد علیهم السلام، ج ۲۲-الرضاع، ص: ۳۰۵)

در مورد اصول اعتقادی همچون توحید، نبوت، امامت و...، آن حضرت، انعطاف ناپذیر و قاطع بودند، سخن آن حضرت با فضل بن سهل و برخورد های دیگر او با این وزیر و نیز صراحت های آن حضرت در مباحثه ها و مناظرات کلامی و تبیین مسائل اعتقادی از دیدگاه اهل بیت (علیهم السلام) (علامه مجلسی، ۱۳۸۵ق، ج ۱۹، ص ۱۴ و ص ۱۶۳). از آن جمله اند. از جمله مسائل دیگری که امام(ع) با آن مناظراتی را با سلیمان مروزی داشتند، مربوط به مسائل بدأ و اراده و مسایل توحیدی است.^۲ (*عوامل العلوم و المعارف*) مستدرک حضرت زهرا تا امام جواد علیهم السلام، ج ۲۲-الرضاع، ص: ۳۱۵)

در این اثنا، همان گونه که ذکر گردید جامعه ی شیعی نیز از هجمه های شک و شبهه دورنماند و در آن زمان به چند گروه همانند واقفیه و قطیعه منقسم گردید. از این رو، آن حضرت مناظرات فراوانی را با نمایندگان این فرق که شاخص ترین آن واقفیه بود، انجام دادند (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۱۴). و در این ضمن حتی نامه نگاری های متعددی با سران این نحله ی فکری داشتند. توجه فراوان آن حضرت به استناد بر آیات قرآن کریم و سخنان پیامبر (ص) و ائمه پیشین شاخصه بارز مناظرات او با بزرگان سایر فرق و نحله ها قلمداد می‌گردید.

شاخصه‌ی مناظرات درون دینی

یکی از مهم ترین شاخصه های مناظرات برون دینی امام رضا(ع) با علمای ادیان مختلف، آگاهی کامل بر کتب آنان می بود که برگرفته از علم الهی آن حضرت از ذات باری تعالی به شمار می آمد. براساس نگرش کلامی شیعه، گستره علم و دانش امام(ع) افزون بر قرآن و سنت (محمد بن یعقوب کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۰۱). حوزه های دیگری از جمله کتب

۱- باب ما تکلم به علیه السلام مع سلیمان المروزی، و احتجاجاته علیه

۲- فاحتج علیه السلام علیه فی البداء و الإرادة و غیرهما من مسائل التوحید، حتی انقطع سلیمان، و لم یحر جوابا

مقدسی همچون تورات، انجیل و زبور (کمال الدین شیخ صدوق، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۹۵) و زبان اقوام و ملل گوناگون (محمد بن یعقوب کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۲۷). را نیز در برمی گیرد چنانکه اباصلت در مورد تسلط امام رضا (ع) بر هر زبانی می گوید:

« به امام رضا (ع) عرض کردم در شگفتم از این همه اشراف شما به زبانهای گوناگون! امام (ع) فرمود: ... چگونه می شود خداوند، فردی را حجت بر مردم قرار دهد ولی او زبان آنان را درک نکند.» (کمال الدین شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۳۱؛ علی بن عیسی اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۲۲۹) علاوه بر آن، مشخصه‌ی بارز امام در مناظراتش با علمای غیرمسلمان، استفاده از مشترکات میان دین اسلام و این علما به شمار می آمد. به کاربردن جدال احسن، از اصول مناظره‌ی آن حضرت در تقابل با بزرگان این ادیان به کار گرفته می شود. ایشان با بهره گیری از شیوه «جدال احسن» برای اثبات دیدگاه خویش و ابطال نظر آنان به کتاب مقدس آنان (عهد جدید و عهد قدیم) استناد می کردند (توماس میشل، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۳ - ۲۷؛ فریبا آذر فیاض، ص ۸۰) که این همان بهره‌مندی از مشترکات اسلام و اهل کتاب قلمداد می گردد. در برخی موارد نیز وجدان و فطرت آنان را به شهادت می طلبید. (عوامل العلوم و المعارف (مستدرک حضرت زهرا تا امام جواد علیهم السلام)، ج ۲۲-الرضاع، ص: ۳۰۹)

اما شاخصه‌ی کاملاً مشهود و مشهور امام رضا (ع) در مناظرات، رعایت ادب در همه حال، حتی هنگامی که پیروز میدان مناظره در تقابل با رقیب غیرمسلمان می گردیدند، می بود. (ابی منصور احمد بن علی طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۴۲۳).

از مهمترین مجالس مناظره امام رضا (ع)، مناظرات مرو است. مأمون، رهبران مکاتب کلامی و علمای ادیان مختلف همچون یهود، مسیح، هندو... را گردهم آورد تا با حضرت مناظره نمایند به نحوی که «این مناظره از طلوع آفتاب تا بعد از نماز مغرب طول کشیده است.» (سید محمد مرتضوی، ۱۳۷۵، ص ۱۳۵).

مناظره با جاثلیق، مطابق بر انجیل، کتاب مقبول این نصرانی از سوی آن حضرت، که در خاتمه، جاثلیق، درمانده شد و گفت: «به مسیح قسم، گمان نمی کردم بین مسلمانان،

فردی مثل تو پیدا شود». مناظره با عمران صابی در خصوص موضوع توحید، مناظره با رأس الجالوت بزرگ یهودیان، مناظره با بزرگ هیربدان و... (عوالم العلوم و المعارف) (مستدرک حضرت زهرا تا امام جواد علیهم السلام)، ج ۲۲-الرضاع، ص: ۳۰۴

شیوه‌ی عملی تکفیر

«غالیان کافرند، معتقدان به تفویض مشرکند، همنشینی و معاشرت با آنان... امان دادن به آنان، و امین دانستن شان، کمک و دستگیری به آنها، سبب خروج از اطاعت خدا و پیامبر خداوند است». (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ص ۲۰۳).

مطلب مذکور، دیدگاه خاص امام رضا(ع) در مورد فرقه‌ی افراطی غالیان است که به پیروی ابوالخطاب مقام ائمه (ع) را والاتر از آنچه هست، می‌دانند، چنانکه امام در مورد آنان چنین می‌فرماید: مرا از حق خودم بالاتر مبرید، چه اینکه خداوند قبل از این مرا به عنوان پیامبر انتخاب کند به عنوان بنده انتخاب کرد. (سیدمحمد مرتضوی، ۱۳۷۵ش، ص ۱۰۸). این فرقه با اندیشه‌ی افراطی نابخردانه‌اش، ننگی بر دامان تاریخ تشیع به شمار می‌آمد که از درون اساس و بنیان معارف شیعه را نشانه رفته بود و از برون دیدگاه حقارت آمیز دیگران را به شیعیان به ارمغان می‌آورد و بی‌جهت نیست که پیروان آن در زمرة مخالفان و دشمنان اهل بیت قرار می‌گیرند آنجا که امام رضا(ع) در مورد ایشان چنین می‌فرماید: مخالفان و دشمنان ما سه دسته اخبار و روایات، در فضایل ما جعل کردند؛ غلو درباره‌ی ما، کوتاهی و نارسایی در امر ما، بدگویی آشکار از دشمنان ما، پس هرگاه مردم مطالبی آمیخته با غلو درباره‌ی ما بشنوند، شیعیان ما را تکفیر کرده، آنان را معتقد به الوهیت ما خوانند و چون در روایات تقصیر و کوتاهی را ببینند. آن کوتاهی را از ما خواهند دانست و زمانی که بدگویی صریح و بی‌پرده همراه با ذکر نام دشمنان ما را بشنوند ما را با ذکر نام به بدی یاد خواهند کرد. (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱، ص ۳۰۴).

در حدیثی از اباصلت هروی چنین نقل می‌شود که به امام رضا(ع) گفت؛ در کوفه عده‌ای معتقدند برای پیامبر (ص) هرگز در نمازش سهوی رخ نداده است. امام (ع) فرمود: «دروغ می‌گویند خدا آنان را لعنت کند، کسی که هرگز سهوی برای او رخ نمی‌دهد

خداست». (همان، ج ۲، ص ۲۰۳).

در یکی از مناظرات علی بن محمد بن جهّم عصمت انبیا را زیر سوال برد و امام رضا(ع) با آیات قرآن آنچنان جواب محکمی به وی داد که اشک از چشمان علی بن محمد جهمی جاری شد و حیرت همگان را برانگیخت.^۱ (عوالم العلوم و المعارف مستدرک حضرت زهرا تا امام جواد علیهم السلام)، ج ۲۲-الرضاع، ص: ۳۰۷) مشبهه، مفوضه و حلولیه نیز، جزء دیگر انشعابات فرقه ی غالی به شمار می آیند که هر سه از دیدگاه امام رضا(ع) مشترک و کافر برشمرده می شوند به طوری که آن حضرت در رد مفوضه چنین می فرماید: «کسی که گمان کند خداوند عزوجل کار آفرینش و روزی را به حجت های خود (پیامبر و ائمه (ع) واگذار کرده است، قائل به تفویض شده مشرک است». (علامه مجلسی، ۱۳۸۵ق، ج ۲۵، ص ۲۳۹).

حکم تکفیر قائلین به تناسخ که به دو گروه خابطیه و حماریه منقسم می شود و یکی از ارکان اعتقادی غالیان محسوب می گردید از سوی امام رضا(ع) بدون هیچ اغماضی مطرح گردید چنان که در مورد آنان چنین فرمود: «من قال بالتناسخ فهو کافر بالله العظیم، یکذب بالجنه والنار»؛ هرکس به تناسخ قائل شود به خداوند بزرگ کفر ورزیده و بهشت و دوزخ را تکذیب نموده است. (همان، ج ۴، ص ۲۳۰ و ج ۲۵، ص ۲۷۳). تمامی روایات مذکور، به نوعی خطر حضور فرق غالی گرایانه را از سوی امام رضا(ع) به جامعه ی مسلمین به خصوص شیعیان یادآور می شود تا از آمیختگی اندیشه و عقاید پیروان این نحله ی کلامی کاملاً مذموم، با آیین تشیع ممانعت گردد و سطح آگاهی عمومی در خصوص فرق افراطی نامعقول از طریق این احادیث و روایات افزایش یابد و متمسکان به آن بدون هیچ رفتار انعطاف آمیزی از سوی حضرت، کافر و مشرک و به نوعی در انزوا قرار گیرند و بتدریج از گردونه ی فرق مذهبی حذف گردند و ننگی برای فرقه ی تشیع به شمار نیایند تا شیعیان بدان گروه منحرف شناخته و معرفی نشوند.

۱- نعم قال: فما تعمل فی قول الله عزّ و جلّ (وَ عَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ). (إلى آخر ما قال). فأجابه عليه السلام عن جمیع ذلك، حتّى بکی علی بن محمّد بن الجهّم و...

نتیجه‌گیری

اعتلای بیش‌اسلام در نزد مسلمان و غیر از آنان و نیز رهنمون ساختن انسانها به سوی سعادت راستین، یگانه هدف تمامی ائمه به شمار می‌آید هدفی واحد که امام رضا(ع) در دوران امامت و سپس ولایت عهدی آن حضرت در دستگاه حکومت مأمون همواره مدنظر داشتند که نیل آن در چندین راهکار مختلف دنبال می‌گردید؛ مناظره، تکفیر، طرد و... از جمله‌ی آنها قلمداد می‌گردد. راهکارهای مذکور از سوی هر یک از ائمه (س) و انبیاء به طریقی متفاوت اعمال می‌گردید ملزوم موقعیت‌هایی خاص بود. امام رضا(ع) نیز متناسب با جریان‌های ذکر شده و شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی همچنین موقعیت اجتماعی افراد و گروه‌های مختلف، راهکارهای فوق را متناسب با این شرایط بر دیگر فعالیت‌ها، ارجحیت بخشید و آن را در بطن جامعه‌ی مسلمین و حتی غیر از آن به کار گرفت تا آسیب‌های منعکس یافته و فراگیر در پی ترجمه‌ی متون یونانی، سریانی و... بر اعتقادات ناب اسلام را بر همگان بشناسند و با آسیب‌شناسی آگاهانه، اسلام راستین را نزد همگان بدور از هر گونه پلیدی و کژی به نمایش گذارند.

منابع

قرآن کریم

ابن ندیم، محمد بن اسحاق. (۱۳۸۳). الفهرست، ترجمه رضا تجدد بن علی بن زین العابدین مازندرانی، تهران - دنیای کتاب.

اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱ش). کشف الغمّه - تبریز - مکتبه بنی هاشمی، دنیای کتاب.

اندیشه نو. (۱۳۸۵). ویژه نامه امام رضا(ع) - آذرماه ۸۵ - شماره اول.

انوری، حسن. (۱۳۸۳ش). فرهنگ روز سخن، نشر سخن، تهران.

آذرنیا، فریبا. (بی تا). فرقه های کلامی دوران امام رضا(ع) و موضع گیری امام (ع)، نشریه زائر. ش ۵۶ - ۵۵.

بحرانی، عبدالله بن نورالله. (۱۳۹۰). عوالم العلوم و المعارف، مستدرک - حضرت زهرا تا امام جواد علیهم السلام، جلد ۲۲، نگارش محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی، قم، موسسه الامام المهدي (عج).

خطیب بغدادی، حافظ ابی بکر احمد بن علی. (۱۳۴۹ ق - ۱۳۹۱ م). تاریخ بغداد و مدینه الاسلام - بغداد - مکتبه العربیه.

سید جعفر. (۱۳۷۳). فرهنگ معارف اسلامی / انتشارت کومش. چاپ سوم. تهران. زمستان ۱۳۷۳

صدوق، محمد بن علی. (۱۳۶۱ ش). کمال الدین - معانی الاخبار - قم - انتشارات جامعه مدرسین..

صدوق، محمد بن علی. (۱۳۷۸ ق). کمال الدین؛ عیون اخبار الرضا - قم - انتشارات جهان..

صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۶ ق). کمال الدین؛ التوحید - قم - جامعه مدرسین.

طبرسی، ابی منصور احمد بن علی. (۱۴۰۳ ق). الاحتجاج - بیروت - الاعلمی.

طبری، محمد بن جریر. (۱۳۵۳). تاریخ طبری، انتشارات بنیاد فرهنگی ایران، چاپ اول.

طوسی، محمد بن حسن بن علی. (۱۳۴۸). اختیار معرفه الرجال (رجال کشی) - حسن المصطفوی - مشهد - دانشگاه مشهد.

- عاملی، جعفر مرتضی. (۱۳۵۶). الحیاء السیاسة للأمام رضا(ع) - ترجمه دفتر انتشارات اسلامی - تهران - کنگره جهانی حضرت رضا(ع).
- فضل‌الله، محمد جواد. (۱۳۶۹). تحلیلی از زندگانی امام رضا(ع) - ترجمه محمد صادق عارف - مشهد. آستان قدس رضوی - بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵ ش). فروع الکافی - تهران - دارالکتب الاسلامیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (بی‌تا). اصول کافی، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تهران - سازمان اوقاف امور خیریه - انتشارات اسوه.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۳۸۵). بحار الانوار - ترجمه ابوالحسن موسوی همدانی - تهران - اصلاحی.
- مرتضی، سید محمد. (۱۳۷۵). نهضت کلامی در عصر امام رضا(ع) - مشهد - مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی - چاپ اول.
- مشکور. محمد جواد. (۱۳۷۲). فرهنگ فرق اسلامی / ۳۹۰. بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی. چاپ دوم.
- میشل، توماس. (۱۳۷۷ ش). کلام مسیحی - ترجمه حسین توفیقی - قم - مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- نرم افزار جامع الاحادیث نور ۳، مؤسسه نورالانوار
- نوبختی، حسن بن موسی. (۱۳۵۳). ترجمه فرق الشیعه نوبختی با دو مقدمه زندگی نامه نوبختی و کتاب‌های فرق - تهران - بنیاد فرهنگ ایران.